

# جاہگاہ نماز در اسلام

از دیدگاه کتاب و سنت

تألیف:

دکتر سعید بن علی بن وهف قحطانی

ترجمہ:

عبد القادر ترشابہی

عنوان کتاب:	جایگاه نماز در اسلام از دیدگاه کتاب و سنت
تألیف:	دکتر سعید بن علی بن وهف قحطانی
ترجمه:	عبد القادر ترشابی
موضوع:	مواعظ و حکمت‌ها
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری
منبع:	



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده  
است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaiislam.com](http://www.sadaiislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

۳	.....	مقدمه مترجم
۶	.....	مقدمه مؤلف
۸	.....	مفهوم نماز
۱۱	.....	حکم نماز
۱۲	.....	منزلت نماز در اسلام
۱۵	.....	آخرین وصیت رسول اکرم ﷺ به امتش، نماز بود
۱۸	.....	ویژگی‌های نماز در اسلام
۲۱	.....	حکم تارک نماز
۲۴	.....	فضیلت نماز



## مقدمه مترجم

إِن الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

خواننده عزیز! همه ما بزودی از دنیا خواهیم رفت و در پیشگاه خداوند متعال، حاضر خواهیم شد. در آنجا نیز بخاطر همه اعمال کوچک و بزرگی که انجام داده‌ایم، محاسبه خواهیم شد. بعد از آن نمی‌دانیم که چه سرنوشتی در انتظار ماست آیا با انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین حشر شده و به بهشت می‌رویم که نعمت های جاودانی آن را هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ کسی هم خطور نکرده است یا خدای نکرده به دوزخ می‌رویم که سراسر عذاب و شکنجه و آه و ناله و پشیمانی و گریه است.

پس بیاییم و قبل از اینکه فرصت از دست برود، از خواب غفلت بیدار شویم و فریب این دنیای فانی را نخوریم و زندگی خود را در راه اطاعت از خدا و رسولش سپری نماییم چرا که سعادت دنیا و آخرت، در این راه، نهفته است.

خواننده گرامی! باید بدانیم که نماز، ستون دین است و بوسیله نماز است که مسلمان از کافر و منافق از مؤمن، شناخته می‌شود.

همچنین نماز، اولین چیزی است که روز قیامت، بنده بخاطر آن محاسبه می‌شود و اگر نمازش، پذیرفته شود رستگار می‌گردد و اگر نمازش، پذیرفته

نشود، ناکام می‌گردد و زیان می‌بیند.

لذا همیشه باید به یاد آن لحظاتی باشیم که در پیشگاه پروردگاران، حاضر می‌شویم. لحظاتی که افراد آگاه، سختی آن را درک می‌کنند و پرهیزگاران، شدت و حشت آن را می‌شناسند. پس بکوشیم تا خود را برای آن لحظات جان‌گداز، آماده سازیم.

و از آنجا که نماز، مهم‌ترین عملی است که در آن لحظات حساس و سرنوشت ساز، به فریاد انسان می‌رسد و متأسفانه در این زمینه، کتابی مختصر و مفید که مورد استفاده عموم مردم قرار گیرد، وجود نداشت یا حداقل بنده سراغ نداشتم، اقدام به ترجمه این رساله مختصر، تألیف دکتر علی بن سعید بن وهف قحطانی نمودم تا مورد استفاده عموم مسلمانان فارسی زبان قرار گیرد.

مؤلف محترم در این رساله، مفهوم، حکم، منزلت، ویژگیها، فضایل نماز و حکم تارک آن را در پرتو کتاب و سنت، با زبانی بسیار ساده، بیان نموده است.

در اینجا فقط ذکر یک نکته را لازم و ضروری می‌دانم و آن اینکه مؤلف محترم معتقد است که تارک نماز، کافر می‌شود. باید دانست که این، فقط رأی یک گروه از علمای سلف است که از آن جمله می‌توان از علی بن ابی طالب رضی الله عنه، عبد الله بن مبارک و اسحاق بن راهویه و طبق یک روایت، احمد بن حنبل نام برد. همچنین عبد الله بن شقیق می‌گوید: اصحاب محمد صلی الله علیه و آله بجز ترک نماز، ترک هیچ عمل دیگری را کفر نمی‌دانستند. (روایت ترمذی).

اما گروهی دیگر از سلف، مانند امام ابوحنیفه، امام مالک، امام شافعی، و جمع زیادی از متأخرین، تارک نماز را کافر نمی‌دانند.

بهر حال، اگر کسی می‌خواهد در این زمینه تحقیق کند می‌تواند به سایر کتاب های بزرگ، مراجعه نماید.

---

---

در پایان، از استاد بزرگوارم حاج محمدعلی ناتوزائی که زحمت و یرایش این رساله را متحمل شد، کمال تشکر را دارم. و از خداوند منان مسألت می‌نمایم که این عمل ناچیز را از بنده بپذیرد و روز قیامت، آن را در ترازوی اعمال نیکام قرار دهد.

التماس دعای خیر

عبد القادر ترشابی

۱۸ رجب ۱۴۲۵ هـ. ق

## مقدمه مؤلف

سپاس از آن خداست. او را سپاس می‌گوییم، از او کمک می‌خواهیم و طلب مغفرت می‌نماییم. و از بدیهای نفس و اعمال زشتان به خدا، پناه می‌بریم. کسی را که خدا هدایت نماید، هیچ کس نمی‌تواند گمراه نماید و کسی را که خدا گمراه کند، هیچ کس نمی‌تواند او را هدایت نماید. و گواهی می‌دهم که هیچ معبودی بجز الله، وجود ندارد. او، یگانه است و هیچگونه شریکی ندارد. و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ، بنده و فرستاده خداست. درود و سلام فراوان خداوند بر او و اهل بیتش، صحابه و پیروانش تا روز قیامت، باد. اما بعد:

این رساله مختصر در باره منزلت نماز در اسلام است که در آن بطور خلاصه، مفهوم نماز، حکم، منزلت، ویژگیها، فضیلت و حکم تارک آن را توأم با دلیل از کتاب و سنت، بیان نموده‌ام. قابل یادآوری است که در این رساله، از سخنان شیخ عبدالعزیز بن عبدالله به کثرت استفاده نموده‌ام. از خداوند مسئلت می‌نمایم که در بهشت برین به ایشان، رفع درجات عنایت فرماید. و همچنین از الله ﷻ می‌خواهیم که این عمل را مبارک و خالص بگرداند و آن را در زندگی و بعد از مرگ برای من و همه کسانی که این رساله بدست آنها می‌رسد، مفید گرداند. زیرا او بهترین ذاتی است که از او درخواست می‌شود و گرامی‌ترین ذاتی است که انسان به او امیدوار می‌گردد. او ما را کفایت می‌کند و او، بهترین کارساز است. و باید دانست که انسان از خودش، هیچگونه توان و قدرتی ندارد مگر اینکه عنایت خداوند، شامل حالش



---

---

گردد. وصلي الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله واصحابه ومن تبعهم باحسان  
الى يوم الدين.

مؤلف

جمعه ۱۸/۸/۱۴۲۰ هـ. ق

## مفهوم نماز

نماز در لغت بمعنی دعا است. خداوند می‌فرماید:

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۰۳].

«ای پیامبر از اموال آنان، زکات بگیر که باعث پاکی و تزکیه آنها می‌شود و برای آنان، دعا کن چرا که دعایت، آرامش برای آنان بحساب می‌آید و خداوند، شنوا و داناست.»

چنانچه مشاهده می‌کنیم کلمه «صل» بمعنی «دعا کن» است.

نبی اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ فَلْيُجِبْ فَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيُصَلِّ وَإِنْ كَانَ مُفْطِرًا فَلْيُطْعَمْ»<sup>(۱)</sup>. «اگر کسی از شما (برای صرف غذا) دعوت شد، اجابت نماید. اگر روزه داشت، (برای صاحب غذا) دعای (خیر و برکت و استغفار) نماید. و اگر روزه نداشت، غذا بخورد.» باید دانست که صلاه یعنی درودی که از طرف خداوند باشد، بمعنی ثناء و ستایش است و درودی که از طرف فرشتگان باشد، بمعنی دعا است. خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

«همانا خداوند و فرشتگان بر پیامبر، درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، (شما هم) بر او، درود و سلام بفرستید».

ابوالعالیه می‌گوید: صلاه (درود) خداوند بمعنی تعریف و تمجید او، نزد فرشتگان است و درود فرشتگان بمعنی دعا است. و ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: یصلّون یعنی تبریک می‌گویند<sup>(۱)</sup>.

و برخی گفته‌اند: درود خدا یعنی همان رحمت الهی است و درود فرشتگان بمعنی استغفار کردن آنان است. و صحیح و درست، همان قول اول است<sup>(۲)</sup>.  
خداوند می‌فرماید:

﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْتَمَدُونَ﴾  
[البقرة: ۱۵۷].

«آنان (همان بردباران با ایمانی هستند که) الطاف و رحمت و احسان و مغفرت خدایشان شامل حال آنان می‌گردد و مسلماً ایشان راه یافتگان (به جاده حق و حقیقت و طریق خیر و سعادت) هستند».

چنانچه مشاهده می‌کنیم رحمت، بر صلوات، عطف شده است و اقتضای عطف، مغایرت می‌باشد.

پس صلاتی که از طرف خداوند باشد بمعنی ستایش است و صلاتی که از طرف مخلوقات یعنی فرشتگان، جن و انس باشد، بمعنی نماز، رکوع، سجده، دعا و تسبیح گفتن است. و صلاتی (درودی) که از طرف پرندگان و خزندگان باشد، بمعنی تسبیح گفتن است<sup>(۳)</sup>.

۱- ثریع ابن عثیمین (۲۲۸/۳).

۲- نگا تفسیر ابن کثیر و شرح ممتع ابن عثیمین (۲۲۸/۳-۲۲۹).

۳- لسان العرب (۴۶۵/۱۴).

و «صلاة» در اصطلاح شریعت، عبارت از: عبادتی است که بخاطر خداوند، انجام می‌گیرد و شامل اقوال و افعال معین و ویژه ای می‌باشد که با تکبیر، آغاز و با سلام، به پایان می‌رسد و این، اقوال و افعال مخصوص، «صلاة» نامیده شده اند زیرا دعا را نیز در برمی‌گیرند<sup>(۱)</sup>.

در نتیجه کلمه «صلاة» که در آغاز به هر دعایی، اطلاق می‌شد، از آن مفهوم، انتقال پیدا کرد و هم اکنون بخاطر مناسبتی که میان دعا و نماز وجود دارد، همان افعال و اقوال مخصوص، کلمه صلاة یعنی نماز، اطلاق می‌شود. پس هرگاه، کلمه «صلاة» یعنی نماز در شریعت اطلاق شود، مفهوم آن، فقط نماز با همان افعال و اقوال مخصوص است<sup>(۲)</sup>.

و سرتاسر نماز، دعا یعنی طلب و درخواست است: زیرا طلب و درخواست یا با سؤال کردن، مطرح می‌شود چنانچه دعا کننده، خواهان جلب منفعتی و یا دفع ضرری می‌شود و طلب اینگونه نیازها از خداوند، فقط با زبان و سؤال کردن، انجام می‌گیرد. یا اینکه طلب و درخواست با عبادت انجام می‌گیرد. چنانکه انسان با اعمال نیک از قبیل نماز، رکوع، سجده و غیره، طلب اجر و ثواب می‌نماید. پس کسی که این، عبادات را انجام می‌دهد، در واقع با زبان حال از خداوند، طلب مغفرت می‌نماید. و از سخنان فوق، روشن می‌شود که سرتاسر نماز، دعا و درخواست با زبان و یا طلب و درخواست بوسیله عبادت است چرا که نماز هر دو نوع را در بر می‌گیرد<sup>(۳)</sup>.

۱- المغنی (۵/۳) ابن قدامه والشرح الكبير (۵/۳) و الانصاف فی معرفه الراجح من اغلاف (۵/۳) و التعریفات جرجانی (۱۷۴).

۲- شرح العمده ابن تیمیه (۳۰/۲ - ۳۱).

۳- نگا شروط الدعاء و موانع الاجابه (۱۰ - ۱۱) نوشته مؤلف.

## حکم نماز

قرآن، سنت و اجماع امت، نماز را بر هر مسلمان عاقل و بالغ، فرض گردانیده است. فقط بر زنی که در دوران حیض یا نفاس بسر می‌برد، فرض نیست. خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ﴿٥﴾﴾ [البينة: ۵].

«و به آنان دستور داده نشده است مگر اینکه خداوند را مخلصانه و حق گرایانه پرستش نمایند و فقط بر دین او باشند و نماز را بر پای دارند و زکات بدهند. و این است آیین راست و درست.»

و در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ [النساء: ۱۰۳].

«همانا نماز بر مؤمنان فرض است و اوقات معینی دارد.»

هنگامی که نبی اکرم ﷺ معاذ رضی الله عنه را به یمن فرستاد، فرمود: «و به آنها اعلام کن که خداوند در شبانه روز، پنج نماز بر آنها فرض گردانیده است»<sup>(۱)</sup>.

ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصَوْمِ رَمَضَانَ وَ الْحَجِّ لِمَنْ هِجَ اسْتَطَاعْتُمْ»<sup>(۲)</sup>. «اسلام بر پنج چیز بنیان گذاری شده است: ۱- گواهی دادن بر اینکه هیچ معبودی بجز الله، وجود ندارد ۲- برگزاری نماز ۳- پرداخت زکات ۴- روزه گرفتن رمضان ۵- حج بیت الله برای کسی که استطاعت آن را دارد.»

۱- بخاری (۱۳۹۵) و مسلم (۵۰).

۲- بخاری (۸) و مسلم (۱۶).

عباده بن صامت رضی الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «خَمْسُ صَلَوَاتٍ كَتَبَهُنَّ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ فَمَنْ جَاءَ بِهِنَّ لَمْ يُضَيِّعْ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتِخْفَافًا يَحَقِّهِنَّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ»<sup>(۱)</sup>. «خداوند، پنج نماز بر بندگانش، فرض نموده است. هر کس، آنها را بدون استخفاف، ادا نماید و ضایع نگرداند، خداوند، عهد نموده است که او را وارد بهشت نماید».

آیات و احادیث درباره فرضیت نماز بسیار زیادند که ما به ذکر همین اندازه اکتفا می‌کنیم.

همچنین امت اسلام بر فرض بودن پنج نماز در شبانه روز، اجماع نموده اند<sup>(۲)</sup>. اما نمازهای پنج گانه بر زنانی که در دوران عادت ماهیانه و یا نفاس بسر می‌برند، فرض نیست زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَلَيْسَتْ إِذَا حَاضَتْ لَمْ تُصَلِّ وَ لَمْ تَصُمْ»<sup>(۳)</sup>. یعنی: «مگر نه این است که زن، در دوران عادت ماهانه، نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گیرد؟».

## منزلت نماز در اسلام

نماز در اسلام از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. و دلایل آن عبارتند از:

۱- نماز، ستون دین است. و باید دانست که دین بدون این ستون، برپا نمی‌شود. معاذ رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ

۱- سنن ابوداود ( ) و صحیح سنن ابوداود (۱/۱، ۸۶/۲۶۶).

۲- المغنی ابن قدامه (۶/۳).

۳- بخاری (۱۱۴/۱) و مسلم.

وَذِرْوَةٌ سَنَامِهِ الْجِهَادُ»<sup>(۱)</sup>. یعنی: «رأس امور اسلام و ستون آن، نماز است. و قله آن، جهاد می‌باشد». و باید دانست که اگر ستون بیفتد، ساختمان، نابود خواهد شد.

۲- اولین عملی که بنده بخاطر آن محاسبه می‌شود، نماز است. و خوبی و بدی اعمال انسان، به نمازش، بستگی دارد. انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الصَّلَاةُ، فَإِنْ صَلَحَتْ، صَلَحَ سَائِرِ عَمَلِهِ وَإِنْ فَسَدَتْ، فَسَدَتْ سَائِرِ عَمَلِهِ» وَ فِي رِوَايَةٍ: «أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَنْظُرُ فِي صَلَاتِهِ فَإِنْ صَلَحَتْ فَقَدْ أَفْلَحَ وَإِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَ خَسِرَ»<sup>(۲)</sup>. «اولین چیزی که در روز قیامت، بنده بخاطر آن، محاسبه می‌شود، نماز است. اگر نمازش، درست باشد، سایر اعمالش، نیز درست خواهد بود. و اگر نمازش، فاسد باشد، سایر اعمالش، فاسد خواهد بود».

و در روایتی، آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «اولین چیزی که در روز قیامت، از بنده می‌پرسند و آن را بررسی می‌کنند، نماز است. اگر نمازش، درست باشد، رستگار می‌شود. و اگر نمازش، فاسد باشد، ناکام می‌شود و زیان می‌یابد».

تمیم داری رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَلَاتُهُ فَإِنْ أَكْمَلَهَا كُتِبَتْ لَهُ نَافِلَةٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَكْمَلَهَا قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهِ لِمَلَائِكَتِهِ انظُرُوا هَلْ تَجِدُونَ لِعَبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ فَأَكْمِلُوا بِهَا مَا

۱- ترمذی (۲۶۱۶) و ابن ماجه (۱۳۱۴/۲) و احمد (۲۳۱/۵). و ترمذی درباره آن، گفته است: این حدیث، حسن و صحیح است و آلبانی نیز آن را در ارواء القلیل (۱۳۸/۲) تحسین نموده است.

۲- روایت طبرانی در المعجم الأوسط (۴۰۹/۱) مجمع البحرین (۵۳۲ و ۵۳۳). و علامه آلبانی در سلسله احادیث صحیحہ (۳۴۶/۳) می‌گوید: و بطور کلی این حدیث با مجموع طرقش، صحیح است.

صَيَّعَ مِنْ فَرِيضَتِهِ ثُمَّ تَوَخَّذُ الْأَعْمَالَ عَلَى حَسَبِ ذَلِكَ»<sup>(۱)</sup>. «اولین چیزی که در روز قیامت، بنده بخاطر آن، محاسبه می‌شود، نماز است. اگر نمازش را کامل ادا نموده است، بطور کامل، برایش بحساب می‌آید. و اگر نمازش را بطور کامل ادا نکرده است، خداوند به فرشتگانش می‌گوید: ببینید آیا بنده‌ام، نماز نفلی دارد که فرایضش را بوسیله آن، کامل کنید؟ بعد از آن، محاسبه زکات و سایر اعمال به همین ترتیب، انجام می‌گیرد».

۳- آخرین چیزی که از دین، ضایع می‌شود، نماز است. پس اگر نماز که آخرین امر دین است، ضایع گردد، چیزی از آن، باقی نمی‌ماند.

ابوامامه رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَيُنْفَضَنَّ عُرَى الْإِسْلَامِ عُرْوَةَ عُرْوَةَ فَكَلَّمَا انْتَقَصَتْ عُرْوَةٌ تَشَبَّتَ النَّاسُ بِالَّتِي تَلِيهَا وَأَوَّلُهُنَّ نَقْضًا الْحُكْمُ وَآخِرُهُنَّ الصَّلَاةُ»<sup>(۲)</sup>. «ریسمان‌های اسلام، یکی پس از دیگری، کنده می‌شوند. هر گاه، یکی کنده شود، مردم به ریسمانهای بعدی، چنگ می‌زنند. اولین ریسمانی که کنده می‌شود، حکومت (حاکمیت اسلام) است و آخرین آنها، نماز می‌باشد».

و در روایتی دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اولین چیزی که از میان مردم، برداشته می‌شود، امانت است و آخرین چیزی که باقی می‌ماند، نماز است و چه بسا نمازگزاری یافت می‌شود که هیچگونه خیری نداشته باشد»<sup>(۳)</sup>.

۱- ابوداود (۸۶۴، ۸۶۶) و ابن ماجه (۱۴۲۵) و احمد (۶۵/۴، ۹۰۳، ۳۷۷/۵) و صحیح الجامع آلبانی (۳۵۳/۲).

۲- احمد (۲۵۱/۵) و آلبانی آن را در صحیح الترغیب والترهیب (۲۲۹/۱)، صحیح دانسته است.  
۳- طبرانی در المعجم الصغیر [مجمع البحرين] ۲۶۳/۷ شماره ۴۴۲۵ و ابن حدیث، شاهی دارد که آن را حکیم ترمذی روایت نموده است و آلبانی آن را در صحیح الجامع (۳۵۳/۲) آورده و آن را حسن دانسته است.



## آخرین وصیت رسول اکرم ﷺ به امتش، نماز بود

نماز، آخرین وصیتی است که نبی اکرم ﷺ امتش را به آن، وصیت کرد. ام سلمه رضی الله عنها می گوید: یکی از آخرین وصیت های رسول الله ﷺ این بود که «الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ حَتَّى جَعَلَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُلْجِدُجُهَا فِي صَدْرِهِ وَمَا يَفِيضُ بِهَا لِسَانُهُ»<sup>(۱)</sup>.

۵- خداوند، اقامه کنندگان نماز و کسی را که خانواده اش را بدان امر می کند ستوده است آنجایی که می فرماید:

﴿وَأَذُكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿۵۴﴾ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴿۵۵﴾﴾

[مریم: ۵۴-۵۵].

«و در قران از اسماعیل یاد کن. او در وعده هایش راست، و پیامبر والا مقامی بود. و خانواده اش را همواره به خواندن نماز و دادن زکات، دستور می داد و نزد پروردگارش، مورد رضایت بود».

۶- خداوند، کسانی را که تبلی می کنند و نماز را ضایع می نمایند، مذمت نموده است. چنانچه می فرماید:

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرْآءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۱۴۲﴾﴾ [النساء: ۱۴۲].

«همانا منافقان، خدا را فریب می دهند در حالی که خداوند، آنان را فریب می دهد. و هنگامی که برای نماز بر می خیزند با سستی و تبلی، و برای نشان دادن مردم، نماز می خوانند. و خدا را فقط اندکی یاد می کنند».

۱- احمد (۶/۲۹۰، ۳۱۱، ۳۲۱) و آلبنی در إرواء اللقیل (۷/۲۳۸) آن را صحیح دانسته است.

۷- بزرگ‌ترین رکن و ستون اسلام بعد از شهادتین، نماز است.

عبد الله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَصِيَامَ رَمَضَانَ وَحَجَّ الْبَيْتِ»<sup>(۱)</sup>. «اساس اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده است. ۱- گواهی دادن بر اینکه هیچ معبودی بجز الله، وجود ندارد و محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست. ۲- برپا داشتن نماز. ۳- پرداخت زکات. ۴- روزه ماه مبارک رمضان. ۵- حج بیت الله الحرام».

۸- یکی از اموری که بر عظمت نماز دلالت می‌کند، اینست که خداوند، آن را بواسطه جبرئیل و در زمین، فرض نگرداند بلکه بدون واسطه در شب معراج و بالای هفت آسمان، آن را فرض نمود.

۹- در ابتدا، پنجاه نماز، فرض شد. و این، خود، دلیلی است بر اینکه خداوند،

نماز را بسیار

دوست دارد. آنگاه، خداوند آنقدر تخفیف داد تا اینکه در نهایت، پنج نماز در شبانه روز بر بندگانش، فرض نمود. و این نمازها اگرچه عملاً پنج تا هستند ولی در ترازوی اعمال انسان، پنجاه نماز بحساب می‌آیند. و این، جایگاه بلند نماز را می‌رساند.

۱۰- و از آنجا که نماز از اهمیت بسیار والایی برخوردار است، خداوند اعمال

رستگاران را با نماز آغاز نموده و با نماز به پایان رسانیده است چنانکه می‌فرماید:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۱ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ۲ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ۳ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ۴ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ۵ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۶ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ۷ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ۸ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ

يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ [المؤمنون: ۹-۱].

«همانا مؤمنان، رستگار شدند. آن کسانی که در نمازشان، خشوع دارند، و از کارهای بیهوده، روی می گردانند، زکات اموالشان را می پردازند و شرمگاهایشان را حفاظت می کنند بجز همسران و کنیزان خود. که در این صورت، قابل سرزنش نیستند. و کسانی که غیر از این را دنبال کنند، آنان تجاوزکارند... همچنین مؤمنان رستگار- کسانی هستند که امانت دارند و به عهد و پیمان خود، وفا می کنند و از نمازهایشان محافظت می کنند».

۱۱- خداوند به نبی اکرم ﷺ و پیروانش دستور داده است که خانواده های خود را به خواندن نماز، امر کنند:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾ [طه: ۱۳۲].

«خانواده ات را به خواندن نماز، امر کن و خود نیز بر خواندن آن، استقامت کن. ما از تو روزی نمی خواهیم بلکه ما به تو روزی می دهیم و سرانجام از آن پرهیزگاری است».

عبد الله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاصْرِبْهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ»<sup>(۱)</sup>. «فرزندانتان را در سن هفت سالگی، به خواندن نماز وادار کنید و در ده سالگی، آنها را بخاطر نماز، تنبیه کنید و محل خواب آنها را جدا کنید».

۱۲- به کسی که خواب بیفتد و یا نمازی را فراموش کند، دستور داده شده است تا قضای آن را بجای آورد. و این، اهمیت نماز را می رساند. انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلْيُصَلِّهَا إِذَا ذَكَرَهَا لَا كَفَّارَةَ لَهَا

۱- ابوداود (۴۹۵) و احمد (۱۸۰/۲، ۱۸۷) و آلبنی آن را در ارواء القلیل (۷/۲ و ۲۶۶/۱) صحیح

إِلَّا ذَلِكَ». «هر کس نمازی را فراموش کرد، هنگامی که بیداش آمد، آن را بخواند. زیرا نماز، کفاره‌ای جز این (قضا آوردن) ندارد».

و در روایتی از صحیح مسلم، چنین آمده است که رسول اکرم فرمود: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً أَوْ نَامَ عَنْهَا فَكَفَّارَتُهَا أَنْ يُصَلِّيَهَا إِذَا ذَكَرَهَا»<sup>(۱)</sup>. «هر کس نمازی را فراموش کرد یا خواب رفت، کفاره‌اش اینست که هنگام یاد آمدن (یا بیدار شدن) آن را بخواند».

همچنین، کسی که سه روز یا کمتر، بی‌هوش شود، حکم کسی را دارد که خواب رفته باشد (بعد از اینکه به هوش آمد، نمازهای فوت شده را بخواند) و این مطلب از عمار، عمران بن حصین و سمره بن جندب رضی الله عنهم روایت شده است<sup>(۲)</sup>.

ولی اگر دوران بیهوشی، بیشتر از سه روز باشد، قضا آوردن نمازهای فوت شده، لازم نیست زیرا شخصی که بیشتر از سه روز بیهوش شود، در زوال عقل به انسانی که دیوانه است شباهت دارد. و الله اعلم<sup>(۳)</sup>.

## ویژگی‌های نماز در اسلام

نماز، ویژگی‌های منحصر به فرد دارد که سایر اعمال نیک از این ویژگی‌ها، برخوردار نیستند. ما در این باره به بیان برسد از آنها می‌پردازیم:

۱- خداوند، در قرآن کریم، نماز را ایمان نامیده است:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾  
[البقرة: ۱۴۳].

۱- روایت بخاری (۵۹۷) و مسلم (۶۴۸).

۲- الشرح الكبير این قدامه (۸/۳) و المغنی (۵۰/۲ - ۵۲).

۳- نگا مجموع الفتاوا شیخ عبد العزیز بن عبد الله (۴۵۷/۲).

«خداوند، ایمان - یعنی نماز شما را که بسوی بیت المقدس خوانده اید - ضایع نمی کند همانا خداوند رؤف و مهربان است».

۲- خداوند، نماز را از سایر عبادات، بطور ویژه ذکر نموده است:

﴿أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ﴾ [العنكبوت: ۴۵].

«آنچه را که از قرآن به تو وحی شده است، بخوان - و به آن عمل کن - و نماز را برپای دار».

و در جایی دیگر می فرماید:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فَعَلِ الْخَيْرَاتِ وَأَقَامِ الصَّلَاةَ﴾ [الأنبياء: ۷۳].

«و به آنها انجام کارهای نیک و اقامه نماز را وحی کردیم».

۳- نماز در قرآن کریم، در کنار بسیاری از عبادات، ذکر شده است. از جمله، در کنار زکات. چنانکه خداوند می فرماید:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳].

ج ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَحْرِزْ﴾ [الكوثر: ۲].

«پس برای پروردگارت، نماز بخوان و قربانی کن».

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۲].

«بگو: نماز، عبادت، زندگی و مرگ من از آن خداست که پروردگار جهانیان است».

۴- با وجودی که خداوند به پیامبرش دستور داده است که در سایر عبادات، ثابت قدم باشد و فرموده است: (واصطبر لعبادته) در مورد نماز تأکید ویژه نموده است:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ﴾

[طه: ۱۳۲].

«خانوادهات را به نماز، امر کن و خود نیز بر خواندن آن، ثابت قدم باش. ما از تو

روزی نمی‌خواهیم بلکه ما به تو روزی می‌دهیم».

۵- خداوند در تمام حالت‌ها، نماز را واجب قرار داده است حتی در این باره، مریض، مسافر و کسی را که در حال ترس و وحشت بسر می‌برد، معذور ندانسته است. بلکه گاهی، در شرایط آن، تخفیف قایل شده است و گاهی هم تعداد رکعات آن را کمتر نموده است و در شرایط خاص هم، روشن نماز خواندن را تغییر داده است. و تا زمانی که انسان از عقل برخوردار است، نماز از وی، ساقط نمی‌شود.

۶- خداوند، در نماز، بهترین حالت‌ها را شرط قرار داده است. فرد باید با وضو باشد، خودش را با زینت لباس، بیازاید و رو به قبله نماید. در حالی که در سایر عبادات، این امور، شرط نیستند.

۷- در نماز، قلب، زبان و سایر اعضای انسان، بکار گرفته می‌شود حال آن که در سایر عبادات، چنین نیست.

۸- در نماز، نباید ذهن و فکر انسان به جایی دیگر برود.

۹- نماز، دین خداست که اهل آسمانها و زمین توسط آن، خدا را بندگی می‌کنند. و کلید همه ادیان آسمانی است و هیچ پیامبری مبعوث نشده است مگر اینکه نماز در شریعتش وجود داشته است.

۱۰- نماز در کنار ایمان و تصدیق انبیاء ذکر شده است. خداوند می‌فرماید:

﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى ﴿۳۱﴾ وَلَا كُنْ كَذَّابٌ وَتَوَلَّى ﴿۳۲﴾﴾ [القیامة: ۳۱-۳۲].

«انسان کافر- خدا را تصدیق نکرد و نماز نخواند بلکه تکذیب کرد و روی گردانی

نمود».

در پایان باید دانست که نماز، ویژگیهای زیادی دارد که با سایر عبادات، قابل مقایسه نیست<sup>(۱)</sup>.

۱- نگاه شرح العوده ابن تیمیه (۸۷/۲-۹۱) و الشرح ابن عثیمین (۸۷/۲).

## حکم تارک نماز

ترک نمازهای فرض، کفر محسوب می‌شود. پس هر کس که نماز را ترک کند و منکر و جوب آن شود به اجماع علما، وارد کفر اکبر می‌شود اگر چه گاهی هم نماز بخواند<sup>(۱)</sup>. اما اگر کسی، معتقد به وجوب نماز باشد و آن را انکار نکند ولی بطور کلی، نماز نخواند، چنین شخصی نیز کافر می‌شود. (و درباره اینکه این کفر، کفر اکبر است و او را از دایره اسلام خارج می‌کند یا خیر، نزد علما اختلاف نظر وجود دارد) اما قول صحیح، این است که کفر چنین شخصی، کفر اکبر است و او را از دایره اسلام، خارج می‌کند. در این باره، دلایل زیادی وجود دارد که ما بطور مختصر به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

۱- خداوند می‌فرماید:

﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَبِيعُونَ ﴿٤٢﴾  
خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهْقُهُمْ ذَلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ  
سَلِيمُونَ ﴿٤٣﴾﴾ [القلم: ۴۲-۴۳].

«روزی که از ساق، پرده بردارند و خلق را دعوت به سجده کنند، آنان نمی‌توانند سجده کنند. چشمانشان، پایین افتاده است و خواری و ذلت، وجودشان را فرا گرفته است. آنها در - دنیا که سالم بودند، دعوت به سجده می‌شدند - ولی سجده نمی‌کردند».

آیه فوق، دلالت بر این دارد که فرد بی نماز، در روز قیامت، کنار کفار و منافقینی قرار می‌گیرد که کمرشان برای سجده خم نمی‌شود.

اگر فرد بی نماز، مسلمان بشمار می‌رفت همانطور که در روز قیامت به مسلمانان، اجازه داده می‌شود که سجده کنند به او نیز اجازه داده می‌شد که سجده کند.

۱- تحفة الاخوان (۷۳) تألیف شیخ عبدالعزیز.

۲- خداوند می‌فرماید:

﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾ فِي جَنَّتِ يَدْسَأَلُونَ ﴿٤٠﴾ عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنْ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْحَاطِئِينَ ﴿٤٥﴾ وَكُنَّا نُكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٤٦﴾ حَتَّىٰ أَتْنَا الْيَقِينَ ﴿٤٧﴾ فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿٤٨﴾﴾ [المدثر: ۳۸-۴۸].

«روز قیامت، هر نفسی در گرو اعمال خویش است. مگر دست راستیها که در بهشت بسر می‌برند و از گناهکاران می‌پرسند: چه چیزی شما را به دوزخ انداخت؟ می‌گویند: ما نماز نمی‌خواندیم و به مسکین، طعام نمی‌دادیم و با اهل باطل، همنشین بودیم و حق را به تمسخر می‌گرفتیم و روز قیامت را قبول نداشتیم».

در این آیات، فرد بی‌نماز، جزو گناهکارانی است که به دوزخ می‌روند. خداوند

در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ ﴿٤٧﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ دُوفُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٨﴾﴾ [القمر: ۴۷-۴۸].

«همانا گناهکاران در گمراهی و آتش، بسر می‌برند. روزی که بر چهره‌هایشان در آتش، - کشیده می‌شود- و به آنان گفته می‌شود: - لمس کردن آتش را بچشید».

۳- خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾﴾ [التوبة: ۱۱].

«اگر توبه کنند و نماز را بر پا دارند و زکات بدهند، پس برادران دینی شما هستند.

ما آیات خود را برای کسانی که اهل دانش هستند، بیان می‌کنیم».

خداوند در آیه فوق، نماز را شرط اخوت و برادری دانسته است.



۴- عن جابر رضی الله عنه قال: سمعت قال: رسول الله ﷺ: «بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشَّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ»<sup>(۱)</sup>.

۵- عن بریده قال: قال رسول الله ﷺ: «الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ تَرْكُ الصَّلَاةِ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ»<sup>(۲)</sup>. بریده رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «پیمانی که میان ما و آنان وجود دارد، ترک نمازست، پس هر کس، نماز را ترک کند، همانا کفر ورزیده است».

۶- عبدالله بن شفیق رضی الله عنه می گوید: اصحاب محمد ﷺ بجز ترک نماز، ترک هیچ عمل دیگری را کفر نمی دانستند<sup>(۳)</sup>.

۷- تعداد زیادی از علما نقل کرده اند که صحابه بر کفر تارک نماز، اجماع نموده اند<sup>(۴)</sup>.

۸- ابن تیمیه می گوید: تارک نماز به ده دلیل، کافر می شود و کفرش هم، کفر اکبر است (یعنی فرد را از دایره اسلام، خارج می کند)<sup>(۵)</sup>.

۹- ابن قیم رحمته الله علیه بیست و دو دلیل ذکر نموده است که تارک نماز، کافر می شود و کفرش، کفر اکبر است<sup>(۶)</sup>.

۱- مسلم (۷۶).

۲- روایت ترمذی (۲۶۲۱) و نسائی (۲۳۱/۱) و ابن ماجه (۱۰۷۹) و حاکم (۶/۱، ۷) با تصحیح حاکم و موافقت دهبی.

۳- بروایت ترمذی (۲۶۲۲).

۴- نگا المحلی (۲/۲۴۲، ۲۴۳) و کتاب الصلاه (۲۶) ابن قیم و الشرح الممتع (۲/۲۸) تألیف ابن عثیمین.

۵- نگا شرح العمدة (۲/۸۱-۹۴) تألیف ابن تیمیه.

۶- کتاب الصلاه (ص ۱۷-۲۶) تألیف ابن قیم. ایشان، ده دلیل از قرآن و دوازده دلیل از سنت و اجماع صحابه در اینمورد ذکر نموده است.

باید گفت حقی که در آن هیچ تردیدی وجود ندارد، اینست که هر کس، نماز را مطلقاً ترک کند، با دلیل صریح فوق، کافر می‌شود.

ابن قیم رحمته می‌گوید: قرآن و سنت و اجماع صحابه بر کفر تارک نماز دلالت دارند.<sup>(۱)</sup>

## فضیلت نماز

۱- نماز، انسان را از کارهای زشت و ناپسند، باز می‌دارد. خداوند می‌فرماید:

﴿أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾  
[العنکبوت: ۴۵].

«ای پیامبر! بخوان آنچه را که از قرآن به تو وحی شده است و نماز را بر پای دار. همانا نماز، انسان را از کارهای زشت و ناپسند، باز می‌دارد. و یاد خدا- از همه چیز- والاتر است و خداوند می‌داند که شما چه کارهایی را انجام می‌دهید».

۲- نماز، بعد از شهادتین، بهترین عمل، شمرده می‌شود. عبدالله بن مسعود رضی می‌گوید: از رسول خدا صلی پرسیدم: کدام عمل، بهتر است؟ فرمود: «نمازی که در وقتش خوانده شود». پرسیدم: بعد از آن، کدام عمل، بهتر است؟ فرمود: «نیکی به پدر و مادر» پرسیدم: پس از آن کدام عمل، بهتر است؟ فرمود: «جهاد در راه خدا»<sup>(۲)</sup>.

۳- گناهان را شستشو می‌دهد. جابر بن عبدالله رضی می‌گوید: رسول الله صلی فرمود: «مَثَلُ الصَّلَاةِ الْحَمِيسِ كَمَثَلِ نَهْرٍ جَارٍ عَمْرِ عَلَىٰ بَابِ أَحَدِكُمْ

۱- کتاب الصلاة ص (۱۷).

۲- بخاری (۷۵۳۴) و مسلم (۸۵).

يَغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ»<sup>(۱)</sup>. «مثال نمازهای پنج‌گانه مانند اینست که نهر پر آبی، مقابل درب خانه یکی از شما جریان داشته باشد و شما روزانه، پنج مرتبه در آن، غسل نمایید». پس همانطور که هر کس، روزانه پنج بار غسل کند، چرکی بر بدنش باقی نمی‌ماند، آن کس که روزانه پنج بار نماز بخواند، گناهی برایش باقی نمی‌ماند. (مترجم)

۴- نماز، باعث کفاره گناهان می‌شود. ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«الصَّلَاةِ الْخَمْسُ وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ وَرَمَضَانَ إِلَى رَمَضَانَ مُكْفِّرَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ مَا اجْتُنِبَتِ الْكَبَائِرُ»<sup>(۲)</sup>. «نمازهای پنج‌گانه و جمعه تا جمعه دیگر و رمضان تا رمضان دیگر باعث کفاره گناهانی می‌شود که حد فاصل آنها انجام گرفته است. البته گناهان کبیره از این قاعده مستثنی هستند (و نیاز به توبه دارند)».

۵- نماز، در دنیا و آخرت، برای نمازگزار، نور است. عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله سخن از نماز بمیان آورد و فرمود: «مَنْ حَافَظَ عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُورًا وَبُرْهَانًا وَنَجَاةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ نُورٌ وَلَا بُرْهَانٌ وَلَا نَجَاةٌ وَكَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ قَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَأَبِي بَنِي حَلَفٍ»<sup>(۳)</sup>. «هر کس که از نمازش محافظت کند (پایند آن باشد) روز قیامت، برایش نور و حجت و نجات خواهد بود. و هر کس از آن محافظت نکند، روز قیامت، برایش نور و حجت و نجاتی نخواهد بود و با قارون، فرعون، هامان و ابی بن خلف، حشر خواهد شد».

و در حدیث ابومالک اشعری رضی الله عنه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نماز، نور

۱- مسلم (۶۶۸).

۲- مسلم (۲۳۳).

۳- امام احمد در مسندش (۱۶۹/۲) و دارمی (۳۰۱/۲). و امام منذری در کتاب الترغیب والتهریب می‌گوید: امام احمد آن را با سند خوب روایت نموده است.

است»<sup>(۱)</sup>. و در حدیث بریده رضی الله عنه آمده است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بَشِّرِ الْمَشَائِبِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالثَّوْرِ اللَّتَامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>(۲)</sup>. یعنی: «کسانی را که در تاریکی ها به مساجد می روند، به نوری کامل در روز قیامت، مژده ده».

۶- خداوند به وسیله نماز، به انسان رفع درجه، عنایت می کند و گناهانش را می بخشد. ثوبان رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به من فرمود: «عَلَيْكَ بِكَرَّةِ السُّجُودِ لِلَّهِ فَإِنَّكَ لَا تَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً إِلَّا رَفَعَكَ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْكَ بِهَا حَطِيئَةٌ»<sup>(۳)</sup>. یعنی: «بسیار، سجده کن زیرا خداوند با هر سجده، یک درجه به تو عنایت می کند و یک گناه، از تو محو می گرداند».

۷- نماز، یکی از بزرگترین عوامل مرافقت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در بهشت است. ربیع بن کعب اسلمی رضی الله عنه می گوید: با رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیتوته می کردم، شبی، آب وضو و آنچه را که مورد نیاز رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود، برایش آوردم. آنحضرت صلی الله علیه و آله به من گفت: «بخواه». گفتم: همراهی تو را در بهشت می خواهم. فرمود: «آیا خواسته دیگری هم داری؟» گفتم: خواسته ام همین است. آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «پس با کثرت سجده، مرا یاری کن»<sup>(۴)</sup>. (تا برایت شفاعت کنم)

۸- رفتن برای نماز، باعث نوشته شدن حسنات، رفع درجات و ریختن گناهان می گردد. ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ مَشَى إِلَى بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ لِيَقْضِيَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَتْ حَطَوَاتَهُ إِحْدَاهُمَا

۱- مسلم (۲۲۳).

۲- ابوداود (۵۶۱) و ترمذی (۲۲۳) و آلبنی در مشکاه (۲۲۴/۱) آن را صحیح دانسته است چون شواهد زیادی دارد.

۳- مسلم (۴۸۸).

۴- مسلم (۴۸۸).

تَحُطُّ خَطِيئَةً وَالْآخِرَى تَرْفَعُ دَرَجَةً»<sup>(۱)</sup>. یعنی: «هر کس، در خانه اش طهارت نماید. سپس، بسوی یکی از خانه های خدا (مساجد) برود تا فرضی از فرایض خدا را ادا کند، با یک گام، گناهی از او می ریزد و با گام دیگر، درجه ای به درجاتش افزوده می شود».

و در حدیثی دیگر آمده است که آنحضرت ﷺ فرمود: «إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَأَحْسَنَ الوُضُوءَ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الصَّلَاةِ لَمْ يَرْفَعْ قَدَمَهُ الِیْمَنَى إِلَّا كَتَبَ وَجَلَ لَهُ حَسَنَةً وَلَمْ يَضَعْ قَدَمَهُ الِیُسْرَى إِلَّا حَطَّ عَنْهُ سَيِّئَةٌ»<sup>(۲)</sup>. یعنی: «هر یک از شما خوب وضو بگیرد. سپس بسوی مسجد، بیرون برود. هنگامی که قدم راستش را بر می دارد، یک نیکی برایش نوشته می شود و هنگامی که قدم چپش را به زمین می گذارد، یک گناه از گناهانش، نابود می شود».

۹- رفت و آمد به مسجد باعث تدارک ضیافت، در بهشت می گردد. ابوهریره رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ عَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ أَوْ رَاحَ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نَزْلاً كَلَّمَا عَدَا أَوْ رَاحَ»<sup>(۳)</sup>. «هر کس به مسجد، رفت و آمد کند، خداوند، برای هر رفت و آمد و برگشتن، ضیافتی در بهشت، تدارک می بیند».

۱۰- گناهانی که از یک نماز تا نماز دیگر، انجام می گیرد، بوسیله نماز، بخشیده می شود. عثمان رضی الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله ﷺ فرمود: «لَا يَتَوَضَّأُ رَجُلٌ مُسْلِمٌ فَيُحْسِنُ الوُضُوءَ فَيُصَلِّيَ صَلَاةً إِلَّا عَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الصَّلَاةِ الَّتِي تَلِيهَا»<sup>(۴)</sup>. «هر فرد مسلمانی که خوب وضو بگیرد و نمازی بخواند، خداوند، گناهانی را که از این نماز تا نماز بعدی، انجام می گیرد، می بخشد».

۱- مسلم (۶۶۶).

۲- ابوداود (۵۶۳).

۳- بخاری (۶۶۲) و مسلم (۶۶۹).

۴- مسلم (۲۲۷).

۱۱- نماز، باعث کفاره گناهان گذشته می‌شود. عثمان بن عفان رضی الله عنه می‌گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا مِنْ أَمْرٍ مُسْلِمٍ تَحْضُرُهُ صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يُؤْتِ كَبِيرَةً وَذَلِكَ الدَّهْرُ كُلُّهُ»<sup>(۱)</sup>. یعنی: «هر فرد مسلمانی که نماز فرضی را در یابد و برای آن، خوب وضو بگیرد و خشوع آن را بخوبی رعایت کند و رکوعش را هم درست انجام دهد، این نماز، باعث کفاره گناهان گذشته‌اش می‌شود. البته بجز گناهان کبیره. (نیاز به توبه دارند) و تمام عمر اینگونه است».

۱۲- تا زمانی که نمازگزار بر مصلايش نشسته باشد، فرشتگان برایش دعا می‌کنند و تا وقتی که بخاطر نماز نشسته باشد، گویا مشغول نماز خواندن است.

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ تَزِيدُ عَلَى صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ وَصَلَاتِهِ فِي سُوقِهِ بَضْعًا وَعَشْرِينَ دَرَجَةً وَذَلِكَ أَنَّ أَحَدَهُمْ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ أَتَى الْمَسْجِدَ لَا يَنْهَرُهُ إِلَّا الصَّلَاةُ لَا يُرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ فَلَمْ يَخْطُ خَطْوَةً إِلَّا رَفِعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ وَحُطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ حَتَّى يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ فَإِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَانَ فِي الصَّلَاةِ مَا كَانَتْ الصَّلَاةُ هِيَ تَحْسِبُهُ وَالْمَلَائِكَةُ يُصَلُّونَ عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ يَقُولُونَ اللَّهُمَّ ارْحَمَهُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيْهِ مَا لَمْ يُؤْذِ فِيهِ مَا لَمْ يُجِدْ فِيهِ»<sup>(۲)</sup>. «نمازی را که شخص، با جماعت، ادا می‌کند بر نمازی که در خانه و یا بازار می‌خواند، بیست و اندی درجه، برتری دارد. بخاطر اینکه اگر شخص، خوب وضو بگیرد. سپس، به مسجد برود و هیچگونه انگیزه و هدفی بجز نماز نداشته باشد، با هر گامی که بر می‌دارد، یک درجه به درجاتش، افزوده می‌شود و یک گناه از گناهانش، کم می‌گردد تا

۱- مسلم (۲۲۸).

۲- بخاری (۲۱۲۹) و مسلم (۶۴۹).

اینکه وارد مسجد شود. پس از ورود به مسجد تا زمانی که بخاطر نماز، آنجا نشسته باشد، فرشتگان برایش دعا می‌کنند و می‌گویند: خدایا! به او رحم کن، خدایا! او را بیمارز، خدایا! توبه‌اش را بپذیر».

۱۳- انتظار کشیدن برای نماز، جهاد در راه خدا، شمرده می‌شود. ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمود:

«أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطِيئَاتِ وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ قَالُوا بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ فَذَلِكُمُ الرَّبَاطُ فَذَلِكُمُ الرَّبَاطُ»<sup>(۱)</sup>. «آیا شما را به چیزی، راهنمایی نکنم که خداوند بوسیله آن، گناهان شما را نابود می‌کند و به درجات شما می‌افزاید؟ صحابه گفتند: بلی ای رسول خدا. فرمود: کامل نمودن وضو هنگام مشکلات، زیاد، قدم برداشتن بسوی مساجد و انتظار نماز بعدی پس از هر نماز. پس اینست جهاد، اینست جهاد».

۱۴- پاداش کسی که برای نماز، بیرون می‌رود، مانند پاداش کسی است که برای حج، احرام بسته است. ابوامامه رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که طهارت کند و برای ادای نماز فرض از خانه‌اش، بیرون برود، مانند پاداش کسی است که برای حج، احرام بسته است. و پاداش کسی که برای نوافل چاشت، بیرون برود و فقط، بخاطر آن، خسته شود، مانند پاداش کسی است که عمره ای انجام داده است. و نمازی که پس از نماز دیگر، خوانده شود و در میان آنها، کار بیهوده‌ای، انجام نگیرد، در علین (نزد خداوند) ثبت می‌گردد».

۱۵- پاداش هر اهل نمازی که نماز از دستش برود، مانند پاداش کسی است که در نماز (جماعت)، حضور پیدا کرده است. ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم ﷺ

فرمود: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ وُضُوئَهُ ثُمَّ رَاحَ فَوَجَدَ النَّاسَ قَدْ صَلَّوْا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ أَجْرٍ مَنْ صَلَّاهَا وَحَضَرَهَا لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْئًا»<sup>(۱)</sup>. «هر کس، خوب وضو بگیرد. سپس، برود و ببیند که مردم نماز (جماعت) خوانده‌اند، خداوند به او مانند کسی پاداش می‌دهد که در نماز حضور یافته و آن را ادا کرده است بدون اینکه چیزی از اجر آنها کاسته شود».

۱۶- هرگاه شخص، وضو بگیرد و برای ادای نماز، بیرون رود تا زمانیکه بر می‌گردد، در حال خواندن نماز، بحساب می‌آید و رفت و برگشت او، برایش نوشته می‌شود. ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدَكُمُ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى الْمَسْجِدَ كَانَ فِي صَلَاةٍ حَتَّى يَرْجِعَ فَلَا يَقُلُ: هَكَذَا وَ شَبَكَ بَيْنَ أَصَابِهِ»<sup>(۲)</sup>. «هرگاه یکی از شما در خانه‌اش، وضو بگیرد، سپس، به مسجد برود تا زمانی که برگردد، در نماز بسر می‌برد. پس اینگونه نکند. و انگشتان دستهایش را تو در تو نمود».

و در روایتی دیگر، ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ إِلَى مَسْجِدِي فَرَجُلٍ تَكْتَبُ حَسَنَةً وَ رَجُلٍ تَحُطُّ سَيِّئَةٌ حَتَّى يَرْجِعَ»<sup>(۳)</sup>. «از زمانی که یکی از شما از منزلش بسوی مسجد من، بیرون می‌آید، یک گامش، نیکی نوشته می‌شود و گام دیگرش، باعث بخشیده شدن گناهی می‌گردد تا زمانیکه مراجعت نماید».

۱- ابوداود (۵۶۴) و نگا صحیح سنن ابوداود (۱۳۱/۱).

۲- صحیح ابن خزیمه (۲۲۹/۱) و حاکم (۲۰۶/۱) با تصحیح حاکم و موافقت ذهبی و نگا صحیح ترغیب و ترهیب (۱۱۸/۱) تألیف آلبنانی.

۳- صحیح ابن حبان (۱۶۲۰) و نسائی (۴۲/۲) و حاکم (۲۱۷/۱) با تصحیح حاکم و موافقت ذهبی و تصحیح آلبنانی در صحیح ترغیب و ترهیب (۱۲۱/۱).